



The Pattern of Women's Resistance Activism in the Islamic Tradition; an Analysis Based on Soft Resistance

Nahid Moslemi

Assistant Professor, Research Institute for Women and Family, Qom, Iran
Email: salimy85@gmail.com

Abstract

In the classical literature of resistance, the role of activists has often been formulated with masculine, military, and formal approaches, while the contribution of informal activism has been overlooked, reducing the discursive dimensions of resistance. The main issue of the present study is to explain the position of women's activism in the Islamic tradition and redefine it from a marginal/emotional role to a "structuring" role in the continuation of movements. Using the qualitative content analysis method and a descriptive-analytical approach, this study seeks to answer how women have preserved collective memory and explained animosity through the tools of "soft resistance" and "narrative." The findings show that women's activism in the Islamic tradition, beyond a symbolic presence, is an "independent epistemic and political structure" that, through tools such as "disclosure," "semantic explanation," and "informal networking," contributes to the reproduction of the identity of resistance and the continuation of the discourse of resistance and sustainability. This research argues that women's resistance is a prerequisite for continuation in the public arena.

Keywords: Women's resistance, soft resistance, Hazrat Zaynab (S), Hazrat Fatima (S), narrative, collective memory, narrative



نموذج فاعلية المرأة المقاومة في التراث الإسلامي: المقاومة الناعمة

ناهيد مسلمي

أستاذ مساعد، معهد بحوث المرأة والأسرة، قم، إيران.

البريد الإلكتروني: salimy85@gmail.com

الملخص

في الأدب الكلاسيكي للمقاومة، جرى تأطير دور الفاعلين غالباً ضمن مقاربات ذكورية وعسكرية ورسمية، وإن تهميش دور الفاعلية غير الرسمية وتقليص الأبعاد الخطابية يؤدي إلى إضعاف أبعاد ثقافة للمقاومة. يبين هذا البحث مكانة وفاعلية المرأة في التراث الإسلامي ويعيد تعريفه من دور هامشي عاطفي إلى دور «بنوي» يستمر مع استمرار النهضة والحركات الإصلاحية.

اعتمدت الدراسة منهج تحليل المضمون الكيفي ضمن مقارنة وصفية تحليلية، من خلال دراسة النصوص التاريخية وسير المعصومين عليه السلام، ولا سيما نموذج السيدة زينب عليها السلام، للإجابة عن السؤال الآتي: كيف استطاعت النساء، عبر توظيف أدوات «المقاومة الناعمة» و«السرد الروائي»، المحافظة على الذاكرة الجماعية وتوضيح معرفة العدو؟

وتُظهر النتائج أن فاعلية المرأة في التراث الإسلامي تتجاوز الحضور الرمزي لتشكّل «بنية معرفية وسياسية مستقلة»، تسهم من خلال أدوات مثل «كشف الحقائق وفضح الانحرافات»، و«التبيين الدلالي والمعنوي»، و«بناء الشبكات الاجتماعية غير الرسمية»، في إعادة إنتاج هوية المقاومة وضمان استمرارية خطاب المقاومة والصمود.

يستخلص البحث إلى أن المقاومة النسائية ليست مجرد عنصر مكمّل للمقاومة الصلبة، بل تُعدّ شرطاً أساسياً لاستمرارها في بشكل عام. كما يمكن أن تسهم نتائج هذه الدراسة في تقديم نموذج تحليلي لإعادة قراءة فاعلية المرأة في الحركات الاجتماعية المعاصرة.

الكلمات المفتاحية: مقاومة المرأة، المقاومة الناعمة، السرد الروائي، الذاكرة الجمعية، الرواية والتوثيق.



الگوی کنشگری مقاومتی زنان در سنت اسلامی: تحلیلی بر پایه مقاومت نرم

ناهید سلیمی

استادیار پژوهشکده زن و خانواده، قم، ایران.

Email: salimy85@gmail.com

چکیده

در ادبیات کلاسیک مقاومت، نقش کنشگران عمدتاً با رویکردی مردانه، نظامی و رسمی صورت بندی شده است؛ در حالی که نادیده گرفتن سهم کنشگری غیررسمی، به تقلیل ابعاد فرهنگی و گفتمانی مقاومت می‌انجامد. مسئله اصلی پژوهش حاضر، تبیین جایگاه کنشگری زنان در سنت اسلامی و بازتعریف آن از نقشی حاشیه‌ای و عاطفی به نقشی ساختاربخش در تداوم نهضت‌هاست. این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی، با بررسی متون تاریخی و سیره معصومان علیهم‌السلام، به ویژه الگوی حضرت زینب علیها‌السلام، در پی پاسخ به این پرسش است که زنان چگونه با بهره‌گیری از ابزارهای «مقاومت نرم» و «روایت‌گری»، به حفظ حافظه جمعی و تبیین دشمن‌شناسی پرداخته‌اند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که کنشگری زنان در سنت اسلامی، فراتر از حضوری نمادین، واجد ساختاری مستقل در ساحت معرفتی و سیاسی است که از طریق ابزارهایی چون «افشاگری»، «تبیین معنایی» و «شبکه‌سازی غیررسمی»، به بازتولید هویت مقاومت و تداوم گفتمان پایداری کمک می‌کند. مقاومت زنانه نه مکمل مقاومت سخت، بلکه پیش شرط تداوم و بازتولید آن در عرصه عمومی است. نتایج پژوهش می‌تواند الگویی برای بازخوانی نقش زنان در جنبش‌های اجتماعی معاصر فراهم آورد.

واژگان کلیدی: مقاومت زنان، مقاومت نرم، حضرت زینب علیها‌السلام، حضرت فاطمه علیها‌السلام، روایت‌گری، حافظه جمعی.

مقدمه

مفهوم «مقاومت» در علوم اجتماعی و مطالعات سیاسی غالباً با اشکال آشکار، قهرمانانه و مردانه پیوند خورده است. این تلقی عمدتاً برکنش‌های میدانی، نظامی و رهبری سیاسی در عرصه عمومی متمرکز است و در نتیجه، بخش مهمی از فاعلیت و کنشگری زنان در مواجهه با سلطه و بحران، چه در گذشته و چه در دوران معاصر، نادیده گرفته می‌شود. در بسیاری از روایت‌های تاریخی نیز نقش زنان در گفتمان مقاومت، بیشتر در مقام پشتیبان و حامی بازنمایی شده است؛ حال آنکه شواهد تاریخی و تجارب زیسته، ابعاد پیچیده‌تر و چندوجهی‌تری از مشارکت آنان را نشان می‌دهد.

تجربه تاریخی جوامع اسلامی بیانگر آن است که زنان در بزنگاه‌های بحرانی، از طریق روایت‌گری، افشاگری، تبیین معنایی و بازتولید حافظه جمعی، نقش مهمی در شکل‌گیری و تداوم گفتمان مقاومت ایفا کرده‌اند؛ نقش‌هایی که در چارچوب تعاریف کلاسیک مقاومت کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در این میان، بررسی الگوهایی چون حضرت زینب علیها السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و نیز تجربه‌های معاصر زنان در محور مقاومت، ظرفیت قابل توجهی برای بازتعریف مفهوم مقاومت و بازخوانی عاملیت زنان فراهم می‌آورد. از این رو، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است:

«کنش‌های مقاومتی زنان مسلمان چه ابعاد و سازوکارهایی دارد و این کنش‌ها

چگونه در بستر تاریخی و در مواجهه با سلطه سیاسی و انحراف دینی، به تداوم گفتمان مقاومت و پاسداری از ارزش‌های توحیدی کمک کرده‌اند؟

بررسی مطالعات تاریخی و اجتماعی درباره کنشگری زنان در جوامع اسلامی، از صدر اسلام تا محور مقاومت معاصر، نشان می‌دهد که مقاومت زنان صرفاً به کنش‌های آشکار و مستقیم محدود نمی‌شود، بلکه در لایه‌های نرم و پنهان حیات اجتماعی، دینی و فرهنگی شکل می‌گیرد. این نوع مقاومت از پیوند میان ایمان، مسئولیت اجتماعی و دشمن‌شناسی، حافظه‌ای تاریخی و سیاسی پدید می‌آورد که در شرایط تهدید و تهاجم به سرعت فعال می‌شود. چنین الگویی، اگرچه مبتنی بر قدرت سخت نیست، اما به دلیل توانایی در شکل‌دهی به ادراک عمومی، تثبیت حقیقت تاریخی و تولید گفتمان اخلاقی، از ظرفیت اثرگذاری بلندمدت برخوردار بوده و نقشی تعیین‌کننده در تداوم حافظه جمعی مقاومت ایفا می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای (اسنادی) انجام شده است. برای استخراج و تبیین الگوی کنشگری مقاومتی زنان در سنت اسلامی، از روش تحلیل محتوای کیفی^۱ استفاده شده است. بدین معنا که با مطالعه و بازخوانی مکرر منابع، مفاهیم و مضامین مرتبط با کنشگری

1. Qualitative Content Analysis

- زنان استخراج و در قالب مقوله‌های کلان طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند.
- در این راستا، با مراجعه به منابع دست‌اول تاریخی و روایی مربوط به سیره معصومان علیهم‌السلام، به‌ویژه خطبه‌ها و مواضع حضرت فاطمه علیها‌السلام و حضرت زینب علیها‌السلام، و نیز مطالعات معاصر درباره نقش زنان در محور مقاومت، شاخص‌های اصلی مقاومت نرم شناسایی و مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. فرایند تحلیل داده‌ها در سه مرحله انجام شده است:
- مرحله کدگذاری: ^۱ شناسایی واحدهای معنایی و مفاهیم مرتبط با کنشگری مقاومتی زنان (مانند افشاگری، روایت‌گری و تبیین معنایی).
 - مرحله مقوله‌بندی: ^۲ سازمان‌دهی کدهای استخراج‌شده در قالب مقوله‌های کلان (مانند مقاومت نرم و روایت‌گری).
 - مرحله استنتاج و تفسیر: ^۳ تحلیل مقوله‌ها و ارائه الگوی نظری کنشگری مقاومتی زنان در سنت اسلامی.

پیشینه مفهومی

محور مقاومت: محور مقاومت به مجموعه‌ای از بازیگران و جریان‌های سیاسی اجتماعی اطلاق می‌شود که در چارچوب گفتمان مقاومت اسلامی و در تقابل با سلطه‌طلبی و مداخله خارجی فعالیت می‌کنند. این گفتمان با پیروزی انقلاب

-
1. Coding
 2. Categorization
 3. Inference / Interpretation



اسلامی ایران و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، هویت و انسجام بیشتری یافت و با پیوستن گروه‌هایی همچون حزب الله لبنان، گروه‌های مقاومت عراقی، انصارالله یمن و نیز همسویی جریان‌هایی مانند حماس و جهاد اسلامی فلسطین، به یکی از مؤلفه‌های مهم تحولات منطقه تبدیل شد (شیروودی و همکاران، ۱۳۹۹؛ Katz, 2018). برخی پژوهشگران نیز ریشه‌های هویتی این گفتمان را در تجربه انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و فرایند گسترش اندیشه مقاومت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی جست‌وجو کرده‌اند (پوستچی و متقی، ۱۳۹۰).

مقاومت نرم:^۱ این مفهوم بر پایه نظریه «قدرت نرم»^۲ جوزف نای و بسط آن در مطالعات مقاومت شکل گرفته است. مقاومت نرم به استفاده از ابزارهای فرهنگی، تربیتی، رسانه‌ای و گفتمانی برای حفظ و تداوم مقاومت اشاره دارد (Sharp, 1973; Nye, 2004). در این رویکرد، کنشگران بدون بهره‌گیری از ابزارهای نظامی، از طریق تولید معنا، روایت‌سازی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی، به بازتولید و تداوم گفتمان مقاومت کمک می‌کنند.

عاملیت و کنشگری غیررسمی:^۳ عاملیت غیررسمی به ظرفیت افراد و گروه‌های اجتماعی برای اثرگذاری در عرصه عمومی، خارج از ساختارهای رسمی قدرت اشاره دارد. در حالی که کنشگران رسمی در چارچوب نهادهای دولتی و

1. Soft Resistance

2. Soft power

3. Informal Agency

ساختارهای قانونی عمل می‌کنند، کنشگران غیررسمی از طریق شبکه‌های اجتماعی، روابط فرهنگی و کنش‌های نمادین در فرایندهای اجتماعی و سیاسی مداخله می‌کنند (Tilly, 2004). در این چارچوب، زنان در سنت اسلامی را می‌توان از مهم‌ترین کنشگران غیررسمی دانست که با بهره‌گیری از روایت‌گری، تبیین‌گری و شبکه‌های ارتباطی، در شکل‌دهی و تداوم گفتمان مقاومت نقش‌آفرینی کرده‌اند (Bayat, 2013).

تحلیل یافته‌ها

مکانیسم‌های کنش مقاومتی زنان

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوی کنش مقاومتی زنان بر چند سازوکار اصلی استوار است. نخست، پنهان‌بودن ساختاری؛ بدین معنا که این نوع مقاومت نه در قالب کنش سیاسی آشکار، بلکه از طریق رفتارهای روزمره، مراقبت، حفظ شبکه‌های اجتماعی، روایت‌سازی و انتقال تجربه شکل می‌گیرد (Scott, 1985). دوم، پیوستگی؛ به این معنا که مقاومت زنان پدیده‌ای مقطعی و واکنشی نیست، بلکه برآمدگی انباشته و تجربه زیسته آنان در خانواده و جامعه استوار است. سوم، حافظه‌مندی؛ به گونه‌ای که تجربه‌های تاریخی و اجتماعی زنان به تولید و انتقال حافظه مقاومت منجر می‌شود و در شرایط تهدید و بحران قابلیت فعال شدن می‌یابد. چهارم، پیوند با نقش‌های جنسیتی؛ به این معنا که زنان از ظرفیت‌های نهفته در نقش‌های اجتماعی خود، مانند مراقبت، تعلیم، اجتماع‌سازی و روایت‌گری، برای تولید و بازتولید سرمایه مقاومت بهره می‌گیرند.

برآیند این سازوکارها، تبدیل تجربه زیسته زنان به کنش اجتماعی و سیاسی در موقعیت‌های بحرانی است. تجربه‌های معاصر نیز نشان می‌دهد که این سرمایه انباشته، در شرایط تهدید، به واکنش‌های سریع اجتماعی و نقش‌آفرینی مؤثر زنان در جهت‌دهی افکار عمومی و حفظ انسجام اجتماعی منجر می‌شود.

در ردیابی تاریخی این الگو، با طیفی از کنش‌های مقاومتی زنان مسلمان، از روایت‌گری و تبیین‌گری تا حضور میدانی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، مواجه هستیم. این کنشگری را می‌توان پدیده‌ای چندلایه، تاریخی و مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی دانست که هم در بستر اجتماعی شکل می‌گیرد و هم با مفاهیم دینی و رسالت اجتماعی پیوند می‌یابد. از این منظر، حیات سیاسی - اجتماعی زن مسلمان، برخلاف بسیاری از الگوهای سکولار که بر تجربه فردی یا مطالبات جنسیتی متمرکزند، بر پیوند میان ایمان، مسئولیت اجتماعی و تداوم ارزش‌های دینی استوار است. شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد که زنان مسلمان در عرصه‌های فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی، همواره از کنشگران مؤثر در حفظ و بازتولید گفتمان مقاومت بوده‌اند.

الف. پیوند میان سیاست، دین و دشمن‌شناسی

یکی از بارزترین مختصات مقاومت نرم در سنت اسلامی، پیوند میان سیاست، دین و دشمن‌شناسی است. روایت‌گری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اشکال کنش مقاومتی زنان مسلمان، غالباً در بستر مقابله با سلطه سیاسی و



انحراف دینی شکل گرفته است. در این زمینه، حضرت زینب علیها السلام به عنوان یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های واقعه عاشورا و تحولات پس از آن، نمونه‌ای برجسته از کنشگری سیاسی زن مسلمان در قالب مقاومت نرم به شمار می‌رود. واکاوی و تبیین کنش‌های سیاسی و اجتماعی ایشان در جریان عاشورا و پس از آن، می‌تواند ابعاد مختلف زیست سیاسی زن مسلمان و ظرفیت‌های او در نقش‌آفرینی اجتماعی را روشن سازد.

کنشگری حضرت زینب علیها السلام از پیش از واقعه عاشورا آغاز شد و با حضور در کربلا، همراهی با نهضت حسینی، مدیریت کاروان اسرا و حوادث پس از آن تداوم یافت. مجموعه این اقدامات، منظومه‌ای منسجم از یک رسالت سیاسی و اجتماعی را شکل می‌دهد. بررسی نحوه ایفای نقش ایشان نشان می‌دهد که علاوه بر رفتارهای ایشان در متن واقعه عاشورا، خطبه‌های کوفه و شام و نیز مواضع پسینی ایشان، بر محور مدیریت روایت و مقابله با تحریف استوار بوده است. این کنش‌ها در قالب مقابله با حکومت استبدادی یزید، نقشی تعیین‌کننده در تبیین، ماندگاری و گسترش پیام عاشورا ایفا کرده‌اند.

برائت از دشمن در ادبیات اعتراضی حضرت زینب علیها السلام، یکی از مهم‌ترین محورهای عمل سیاسی ایشان به شمار می‌آید. خطبه‌های کوفه و شام، واجد مؤلفه‌های زبانی، بلاغی و سیاسی اعتراض هستند و نشان می‌دهند که ایشان چگونه از ابزار کلام برای افشاگری و روشننگری بهره گرفته‌اند. حضرت در این خطبه‌ها با استناد به آیات قرآن کریم، همچون خطیبی آگاه و مفسری

ژرف‌اندیش، در اوج اقتدار روحی و تعادل روانی سخن گفته و حقیقت واقعه را برای افکار عمومی تبیین کرده‌اند.

از نکات قابل توجه در این زمینه، آغاز نکردن خطبه کوفه با «بسم الله الرحمن الرحيم» است. رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَهُوَ أَتَمُّ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، باب ۵۸۸). با این حال، حضرت زینب علیها السلام آگاهانه خطبه خود را بدون این عبارت آغاز می‌کنند. این اقدام را می‌توان در امتداد منطق سوره توبه دانست؛ سوره‌ای که بدون «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز شده است. مفسران علت این امر را ناسازگاری فضای اعلام برائت و بی‌زاری با مضمون رحمت دانسته‌اند (جعفری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۸). همچنین از امام علی علیه السلام نقل شده است که سوره توبه بدون «بسم الله» آغاز شده، زیرا این سوره متضمن اعلام برائت و رفع امان از مشرکان است (بحرانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۷۲۷).

بر این اساس، آغاز خطبه حضرت زینب علیها السلام بدون «بسم الله» را می‌توان نوعی کنش آگاهانه و نمادین در اعلام برائت از مردمی دانست که پیمان خود را شکسته و در برابر امام زمان خویش ایستاده بودند. چنان‌که آیه آغازین سوره توبه می‌فرماید: «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (سوره توبه: آیه ۱). از این منظر، افشاگری، برائت از دشمن، تبیین حقیقت و امر به معروف، در یک شبکه مفهومی واحد قرار می‌گیرند و هسته اصلی کنش سیاسی حضرت زینب علیها السلام را تشکیل می‌دهند.



در تداوم این سنت، زنان مسلمان در عرصه‌های مختلف مقاومت نیز صرفاً در جایگاه قربانیان جنگ و خشونت ظاهر نشده‌اند، بلکه به عنوان راویان حماسه و عاملان دشمن‌شناسی ایفای نقش کرده‌اند (صفایی و عرفانی، ۱۳۹۲). در این روایت‌های اعتراضی، پیوند میان «شهادت» و «افشاگری» به عنوان دو کنش سیاسی-روایی، هم پیام دینی و هم تجربه زیسته مقاومت را بازنمایی می‌کند. خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام، بیانیه‌ها و خاطرات مادران شهدا در دفاع مقدس و نیز روایت‌های زنان فلسطینی از مقاومت، نمونه‌هایی از این پیوند میان «منِ راوی» و «امر سیاسی» در افق دینی هستند. در این الگو، روایت فردی در خدمت رسالت جمعی و حفظ گفتمان مقاومت قرار می‌گیرد.

بنابراین، در سنت مقاومتی زنان مسلمان، روایت‌گری و افشاگری جایگاهی محوری دارد. زن مقاومت گر صرفاً شاهد حوادث نیست، بلکه راوی حماسه، افشاگر سلطه و تبیین‌گر حقیقت است. در اینجا روایت تنها یک عمل زبانی و نقل واقعه نیست، بلکه کنشی سیاسی و اجتماعی است که واقعیت را بازتعریف می‌کند، مرز میان حق و باطل را آشکار می‌سازد و زمینه بسیج اجتماعی را فراهم می‌آورد. از این رو، سخن، افشاگری و برائت از دشمن به مهم‌ترین ابزارهای مقاومت نرم در کنشگری زنان مسلمان تبدیل می‌شوند.

ب. پیوند با امر قدسی و فراتاریخی بودن گفتمان اعتراضی

یکی از مؤلفه‌های برجسته این ادبیات، پیوند آن با مفاهیم قدسی همچون

«ولایت»، «شهادت»، «ظلم ستیزی» و «حفظ دین» است. گفتمان اعتراضی زنان مسلمان، برخلاف رویکردهای صرفاً تاریخی گرایانه، ماهیتی فراتاریخی داشته و معطوف به ارزش های جاودانه و فرازمانی است. حضرت فاطمه علیها السلام با خطبه فدکیه، صرفاً یک مطالبه تاریخی را مطرح نمی کند، بلکه اعتراضی بنیادین به انحراف خلافت و تهدید اصل دین را نمایندگی می کند و از این طریق، الگویی از مقاومت در برابر انحرافات اعتقادی و سیاسی را بنیان می نهد. چنین گفتمانی در نسل زنان انقلابی ایران و نیز زنان مقاومت فلسطین، در قالب دفاع از امت اسلامی و استمرار پیام عاشورا تجلی یافته است.

آنچه در کنشگری زنان در جنگ رمضان نیز مشاهده شد، پدیده ای در امتداد شأن یابی زن در گفتمان انقلاب اسلامی است. زنان انقلاب اسلامی بازتاب سیمای زن مقاوم، حق طلب و آگاهی هستند که کنش آنان هم زمان از عمق الهی و خاستگاه سیاسی برخوردار است. ادبیات این الگوی کنش مقاومتی، برخلاف برخی الگوهای غربی - لیبرالی که بر مبنای تقابل با مرد یا ساختار سنتی شکل گرفته اند، بر مبارزه با ظلم، جهل و طاغوت استوار است. چنان که تاریخ نشان داده است، زنان مسلمان توانسته اند از طریق نوشتن، سخن گفتن و ایستادگی در کنار جریان حق، گفتمانی ماندگار از مقاومت و اعتراض را شکل دهند که همچنان الهام بخش نسل های بعدی است.

زن مسلمان در گفتمان قرآنی، نه موجودی حاشیه ای، بلکه کنشگری آگاه، مسئول و دارای اهلیت در مسیر تحقق توحید و اقامه قسط است؛ کنشگری که از



درکی عمیق نسبت به شرایط و میدان برخورداری بوده و در بزنگاه‌های تاریخی مواجهه با طاغوت و سلطه، نقش‌آفرینی تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. قرآن کریم نیز در آیات متعدد، کنشگری زنان را در عرصه ایمان، هجرت، جهاد، صبر، نصیحت امت و امر به معروف و نهی از منکر در کنار مردان مورد تأیید قرار داده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (سوره توبه: آیه ۷۱)

براین اساس، کنشگری مقاومتی زنان در سنت اسلامی را باید در پیوند میان مسئولیت دینی، آگاهی تاریخی و تعهد اجتماعی فهم کرد؛ پیوندی که به این کنشگری، ماهیتی فراترازیک واکنش مقطعی بخشیده و آن را به بخشی از رسالت تمدنی زن مسلمان تبدیل کرده است.

صورت بندی الگوهای مقاومت نرم زنان

بررسی کنش‌های زنان در سنت اسلامی و تجربه‌های معاصر نشان می‌دهد که مقاومت در این بسترها، فراتراز کنش‌های سخت و میدانی، در چهار لایه تحلیلی به هم پیوسته بازتولید می‌شود. این لایه‌ها در واقع سازوکارهای بروز و تداوم فاعلیت زنان در فرایندهای مقاومتی را تشکیل می‌دهند:

۱. مقاومت روایی به مثابه معرفی دشمن

کنشگری زنان در بزنگاه‌های تاریخی، از سیره زینبی تا تجربه مادران شهدا، عمدتاً بر مدیریت روایت استوار بوده است. در فرآیند سلطه و مقاومت زدایی، یکی

از نخستین اقدامات قدرت مسلط، پنهان سازی چهره واقعی خود از طریق حذف یا به حاشیه راندن رویدادهای تعیین کننده تاریخی است. زنان در این الگوبا تبدیل رخدادهای تاریخی به روایت عمومی و انتقال آن از طریق خانواده، تربیت سیاسی و حافظه اجتماعی، مانع فراموشی یا تحریف وقایع می شوند. از این منظر، روایتگری نه یک کنش ثانویه، بلکه ابزاری برای تثبیت حقیقت در حافظه جمعی است (هالبواکس، ۱۹۹۲).

۲. مقاومت معنایی به مثابه حفظ و باز چارچوب بندی مفاهیم و هنجارها

ساختارهای سلطه برای تداوم قدرت خود نیازمند بازتعریف مفاهیم اخلاقی، دینی و سیاسی به نفع خویش هستند. از این رو، کنش های مقاومتی را به عنوان «شورش»، «افراط گرایی» یا «خروج از دین» بازنمایی می کنند. مقاومت معنایی زنان در این الگوبه معنای بازپس گیری مفاهیمی چون صبر، جهاد، تکلیف و عدالت از سیطره گفتمان سلطه است. زنان کنشگر با بهره گیری از ابزارهایی همچون تبیین، خطابه و روایت، دستگاه معناساز دشمن را به چالش می کشند. آنان با بازخوانی این مفاهیم در چارچوب مبارزه با ظلم، مشروعیت اخلاقی قدرت مسلط را زیر سؤال برده و آن را در برابر معیارهای اصیل دینی و اخلاقی به انحراف متهم می کنند. این نوع مقاومت، بدون مواجهه مستقیم فیزیکی، مشروعیت گفتمان سلطه را تضعیف کرده و مانع دفن شدن حقیقت در زیر لایه های تبلیغاتی می شود.



۳. مقاومت روانی-اجتماعی به مثابه بازسازی سرمایه اجتماعی

در شرایط جنگ و تهاجم، به ویژه در محور مقاومت که تعارض‌ها ماهیتی ایدئولوژیک و ارزشی دارند، یکی از مهم‌ترین راهبردهای دشمن، تولید ناامیدی و تضعیف اعتماد عمومی است. کنش زنان در این سطح از طریق ایجاد شبکه‌های حمایتی غیررسمی و تبدیل سوگ‌ها، فقدان‌ها و فشارهای اجتماعی به انگیزش، همبستگی و اعتماد عاطفی، مانع فرسایش سرمایه اجتماعی می‌شود (Peteet, 1991). این کنشگری با حفظ پیوستگی روانی در سطح خانواده و اجتماع محلی، بستری فراهم می‌کند که مقاومت سیاسی و فرهنگی بتواند در بلندمدت تداوم یابد. از این منظر، تاب‌آوری شکل گرفته در شبکه‌های غیررسمی اجتماعی، که زنان در آن نقش محوری دارند، یکی از عوامل اصلی استمرار مقاومت محسوب می‌شود.

۴. عاملیت و کنشگری غیررسمی به مثابه نفوذ در جامعه

زنان اگرچه در بسیاری از دوره‌های تاریخی حضور محدودی در ساختارهای رسمی تصمیم‌گیری داشته‌اند، اما از طریق حوزه‌هایی که معمولاً غیرسیاسی تلقی می‌شدند، مانند خانواده، آموزش، تربیت دینی و مناسک آیینی، توانسته‌اند نقش سیاسی و اجتماعی مؤثری ایفا کنند. این نوع عاملیت به دلیل فاصله گرفتن از سازوکارهای رسمی قدرت، کمتر در معرض کنترل و نظارت مستقیم قرار گرفته و به شکلی از مقاومت پایدار و مستمر تبدیل شده است. در واقع، کنشگری غیررسمی زنان را می‌توان نوعی نفوذ در شکاف‌های ساختار رسمی دانست که در

شرایط بحران، جنگ و تهاجم فرهنگی، ظرفیت بالایی برای حفظ و بازتولید گفتمان مقاومت ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری

این تحلیل، در سنتز این چهار لایه، نشان می‌دهد که کنش مقاومتی زنان پدیده‌ای چندبعدی است که از پیوند حافظه (روایی)، اخلاق (معنایی)، عاطفه و همبستگی (روانی-اجتماعی) و شبکه‌های اجتماعی (غیررسمی) شکل می‌گیرد. بنابراین، فاعلیت زنان در گفتمان مقاومت صرفاً کنشی مکمل برای فعالیت‌های نظامی یا سیاسی رسمی نیست، بلکه به مثابه یک ساختار مستقل و ضروری در تداوم مقاومت در عرصه‌های مختلف، از جمله حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و امنیتی، عمل می‌کند. در غیاب این ساختار، گفتمان‌های مقاومت در معرض فرسایش قرار گرفته و ممکن است در اثر سرکوب فیزیکی یا تحریف روایت‌های تاریخی به تدریج به فراموشی سپرده شوند.

از این رو، مقاومت نرم زنان را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل تداوم و بازتولید گفتمان مقاومت در جوامع اسلامی دانست. زنان از طریق حفظ آیین‌ها، نمادها و ارزش‌های مقاومت و انتقال آن‌ها در فرآیندهای تربیتی و زندگی روزمره، نوعی کنشگری میانجی‌گرانه را اعمال می‌کنند که مقاومت را از یک واکنش مقطعی به یک فرهنگ پایدار و مستمر اجتماعی تبدیل می‌سازد.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم. قم: مرکز طبع و نشر قرآن کریم.
۲. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۷ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه البعثه.
۳. پوستین چی، زهره؛ متقی، ابراهیم (۱۳۹۰). «زبان سیاسی مقاومت اسلامی در سیاست بین الملل». *پژوهش‌های روابط بین الملل*، ۱۱(۱).
۴. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۰). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. خطبه فدکیه حضرت فاطمه علیها السلام. دن: طبرسی، احمد بن علی. *الاحتجاج*. قم: نشر مرتضی.
۶. خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه و شام. دن: طبرسی، احمد بن علی. *الاحتجاج*. قم: نشر مرتضی.
۷. زهره سادات شمشیرگران؛ حدیثه نصیری الموتی (۱۴۰۳). «زنان جبهه مقاومت؛ نماد روشن از الگوی سوم زن». *دومین همایش ملی الگوی سوم زن مسلمان در گام دوم انقلاب اسلامی*.
۸. شیروودی، مرتضی؛ شاه علی، احمد رضا؛ جمشیدی فرد، کرم (۱۳۹۹). «گفتمان مقاومت (شیعی) و تأثیر آن بر نظم امنیتی هژمونیک غرب آسیا در مواجهه با گفتمان‌های سلفی و اخوانی». *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۱۰(۱).

۹. صفایی، صفی‌الله؛ عرفانی، نصرالله (۱۳۹۲). «نقش زنان در نهادهای سازی فرهنگ ایشار و شهادت در جامعه». «همایش نهادهای سازی فرهنگ ایشار و شهادت، تهران».
۱۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: صدرا.
12. Bayat, A. (2013). *Life as Politics: How Ordinary People Change the Middle East*. Stanford: Stanford University Press.
13. Halbwachs, M. (1992). *On Collective Memory*. Chicago: University of Chicago Press.
14. Katz, B. (2018). *Axis Rising: Iran's Evolving Regional Strategy and Non-State Partnerships in the Middle East*. Washington, DC: Center for Strategic and International Studies (CSIS).
15. Nye, J. S. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: PublicAffairs.
16. Peteet, J. (1991). *Gender in Crisis: Women and the Palestinian Resistance Movement*. New York: Columbia University Press.
17. Scott, J. C. (1985). *Weapons of the Weak: Everyday Forms of Peasant Resistance*. New Haven: Yale University Press.

18. Sharp, G. (1973). *The Politics of Nonviolent Action*. Boston: Porter Sargent Publishers.
19. Tilly, C. (2004). *Social Movements, 1768–2004*. Boulder, CO: Paradigm Publishers.

